

## آیت‌الله سید حسین بادکوبه‌ای

«بادکوبه» اکنون به نام «باکو» مشهور است و از شهرهای کشور آذربایجان به‌شمار می‌آید. باکو پیش از رواج کمونیست و تسلط شوروی بر این شهر، یکی از شهرهای ایران و محل زندگی شیعیان بود و عالمانی بسیار از این شهر و شهرهای پیرامونش به ظهور رسیدند. شهری که اکنون تناسبی با گذشته خود ندارد و همین امر موجب حسرت شیعیان و به‌ویژه فرهیختگان و پرهیزکاران می‌گردد. حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره نیز به مناسبت‌های گوناگون، از فشار شوروی کمونیست بر شهرهای آذربایجان یاد می‌کردند و فجایی را که در آن دوران بر شیعیان رفته بود و آثار آن هنوز برقرار است، با ناراحتی بیان می‌کردند. از جمله می‌فرمودند: «خدا می‌داند در طول هفتاد سال دوران اختناق کمونیستی در قفقاز، بادکوبه، ایروان، نخجوان و... بر دین و دینداران چه گذشت! مگر کسی می‌توانست تظاره به دین کند؟! خدا می‌داند مساجدی که در آنها اقامه نماز می‌شد، آیا الآن هم دایر است یا خیر... وضعیت به‌گونه‌ای بود که در بادکوبه علما یا تقیه می‌کردند یا فرار».

یکی از عالمان شهیر این دیار، آیت‌الله سید حسین بادکوبه‌ای است. وی در سال ۱۲۹۳ ق. (۱۲۵۴ ش.) در بادکوبه (باکو) متولد شد. تحصیلات خود را از همان شهر آغاز کرد و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و تکمیل دانش به تهران آمد؛ شهری که در آن زمان عالمانی خبیر و حکیمانی شهیر در خود داشت و صبغه فلسفی در مدارس آن بسیار مشهود بود.

سید حسین در تهران از عالمانی چون میرزا ابوالحسن جلوه بهره‌مند شد، اما شوق بیشتر آموختن و همجواری با بارگاه مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) وی را به نجف اشرف کشانید. در آنجا از محضر مرحوم مامقانی و آخوند خراسانی استفاده کرد و خود نیز به تدریس فقه و اصول و فلسفه مشغول شد. مهارت وی در فلسفه موجب شد که بیشتر به توانایی در تدریس فلسفه شناخته شود؛ لذا بسیاری از بزرگان علم و دانش در درس فلسفه ایشان حاضر می‌شدند. علامه سید محمد حسین طباطبایی و آیت‌الله شیخ محمد تقی بهجت رحمهم‌الله از مشهورترین شاگردان وی هستند.

آنان که محض را ورا درک کرده بودند، او را شخصی متعبد به شریعت مقدس و متخلق به اخلاق اسلامی یافته بودند. کم‌گویی ایشان زبانزد بود، به طوری که در غیر از زمان تدریس به ندرت سخن می‌گفت و رفتارش یادآور این فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام بود که: «**إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا كَسَرَتْ قُلُوبَهُمْ حَسْبِيَهُ اللَّهُ فَاسْتَنْكَبُوا مِنَ الْمَنَظِقِ وَ إِنْتَهُمْ لَفَصْحَاءُ الْبِنَاءِ نُبْلَاءُ**؛ خداوند بندگانی دارد که خشیت و خوف خدا دل‌هایشان را شکسته است، پس از کلام خودداری می‌کنند، درحالی که کلامی فصیح دارند و خردمند و باهوش هستند».

حضرت آیت‌الله بهجت، این صفت استاد را چنین بیان می‌فرمود: «استاد ما [شیخ محمدحسین غروی اصفهانی] می‌فرمود: مرحوم آقا سید حسین بادکوبه‌ای روزی دو درس می‌گفت. اما در غیر ساعتی که درس می‌گفت، چنان خاموش بود که گویی زبان ندارد، مگر اینکه ذکر می‌گوید، وگرنه سکوت محض بود! آقای (علامه) طباطبایی رحمته الله علیه سالی در شب عید غدیرایشان را با عده‌ای از علما و فضلا برای صرف شام به منزل خویش دعوت کرده بود. یکی از معاصرین آقای سید حسین بادکوبه‌ای هم در آن مجلس شرکت داشت، او تمام وقت مجلس را با صحبت اداره کرده بود، ولی ایشان یک کلمه هم صحبت نکرده و سخن نگفته بود.» حضرت آیت‌الله بهجت درباره مرحوم بادکوبه‌ای می‌فرمود: «تعبدش بیش از دیگران بود، دائم‌الذکر بود، متأدب به آداب و سنن شرعی بود، نعلین خود را از در مسجد [یا صحن] خلع می‌نمود. چاه نفت در ملک او بود [که غضب کرده بودند]، ولی برای علم حسرت می‌خورد.» ایشان به قرائت زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام مقید بود. از حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره که این سیره استاد را به خوبی آموخته بود نقل است که می‌فرمود: «کتاب اخلاق ابن مسکویه را در ماه رمضان، نزد مرحوم بادکوبه‌ای خواندم. او خیلی متعبد بود. کسی او را در حال گفتن ذکر دیده بود. از او پرسیده بود که چه ذکر می‌گوید. پاسخ داده بود که متن زیارت عاشورا را خوانده‌ام و صد لعن و سلامش را در راه می‌گویم.»

حضرت آیت‌الله بهجت نزد ایشان به تحصیل کتاب «اشارات» ابن سینا مشغول بود. از صفات بارز استاد، اهتمام والا به امر تدریس بود، به طوری که وقتی پسرش سکنه کرد، حاضر نبود تدریس را رها نماید و در نهایت با اصرار شاگردان از تدریس منصرف می‌شود.

حضرت آیت‌الله سید حسین بادکوبه‌ای رحمته الله علیه در سال ۱۳۵۸ ق. (۱۳۱۸ ش.) در نجف درگذشت و در جوار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد.